

چه دیدگاه‌هایی از تصاویرکنش مذهبی چهره‌ها عصبی می‌شوند؟

ترمیم شکاف‌های اجتماعی در طریق الحسین



تست کرده بودند این دوره نیز به فعالیت خود به شکل جدی ادامه دادند. کنشگران سینمایی انتخاباتی و هنری از تمامی ابزارهای خود استفاده کردند تا هم زور سیاسی و هم زور فرهنگی خود را نشان دهند. حتی از میراث‌های هنری کشور مانند نوای «ربنا»که پیش از این به دلیل اظهارنظرهای استاد شجریان پخش آن از سوی رسانه‌های ملی کشور ممنوع شده بود استفاده شد و توانست شبکه‌های اجتماعی را با قدرت رسانه‌ای خود تصرف کند و در نتیجه نتیجه انتخابات را نیز به نفع خود رقم بزند. بعد از این نیز این ماجرا با شعارنویسی‌های مختلف ادامه پیدا کرد. این جریان بعد از انتخابات ۹۲ تلاش کرد حالا که رئیس‌جمهور منتخبتش را به صندلی نشانده دیگر اتفاقات خوب و مثبت در کشور را نیز در مسیر حرکت خود به نام بزند و شعارسازی‌های متعددی نیز در این زمینه انجام داد. هم‌زمانی انتخابات پیروز شدن حسن روحانی به عنوان یازدهمین رئیس‌جمهور کشور با صعود ایران به جام جهانی برزیل شعار، با قدم روحانی، رفتیم جام جهانی» را در دهان هواداران انداخت و در همین راستا هشتگ «روحانی‌مچکریم» نیز شکل گرفت. ورود سفت و سخت چهره‌های هنری به فضای سیاسی به حدی بود که جشنواره فیلم فجر ۹۲ بسیار رنگ و بوی دولت تدبیر و امید را در خود داشت. از تیزر جشنواره که خبر از پایان یک دوران سیاه و آغاز دوران امید می‌داد تا کارگردانان تازه نفسی که در اقداماتی هیجانی جایزه خود در جشنواره فیلم فجر را با صفت‌های اغراق شده به رئیس‌جمهور تقدیم می‌کردند. اقداماتی که البته دوام چندانی نداشت.

به عقب برنمی‌گردیم

با پایان دوران ریاست‌جمهوری دوره یازدهم در سال ۹۶ و رونق هرچه بیشتر شبکه‌های اجتماعی به خصوص اینستاگرام کشور دوباره وارد فضای انتخاباتی شد. این بار دولت وقت مخالفان جدی نیز داشت. کلمه «سلبریتی» به شکل ویژه‌ای وارد ادبیات رسانه‌ای کشور شد. اگرچه هیچ‌گاه درست معنی نشد اما این کلمه به چهره‌های هنری پرمخاطب در شبکه‌های اجتماعی به خصوص اینستاگرام که آن زمان در حال میلیونی شدن بودند نسبت داده شد. جریان هنری کشور که پیش از این در سال ۹۲ حسن روحانی را به قدرت نشانده بود این بار با شعار «به عقب بر نمی‌گردیم» به شکل افراطی‌تری حتی به کف خیابان آمد و تراکت پخش می‌کرد تا «با روحانی تا ۱۴۰۰» را تحقق بخشد. خوانندگان و شاعران زیادی وارد میدان شدند. اردوگاه انتخاباتی روحانی سلبریتی‌های نام‌آشنای مردم را به شکل دسته‌ای و اتوبوسی شهر به شهر در استادیوم‌های ورزشی می‌چرخاند تا به واسطه آنان بتواند دوران ریاست‌جمهوری خود را ادامه بدهد. منتقدان دولت که گروه مقابل را شکل می‌دادند تلاش کردند دولت روحانی را به گروه خاص و اغلب متمول کشور نسبت دهند و جریان نزدیک به دولت و هنرمندان نیز تلاش کردند تصویر نخچه‌گرایی و شبک و شکنجی از دولت ارائه بدهند که رای گروه باسواد، نخچه و سرشناس کشور را داراست و هرکسی که در این دایره حضور دارد و قصد رای به جریان روه‌رو با دارد خواهان پیشرفت ایران نیست و فاقد این ویژگی‌هاست که در همان شعار «به عقب بر نمی‌گردیم» نیز نمایان بود. جریانی که به اصطلاح قرار است رو به جلو حرکت کند در مقابل جریانی که عقبگرد خواهد کرد. دوگانه جدی که به روایت‌سازی‌های مختلف نیز کشیده شد. از روایت‌سازی نبود دهمایی در بیمارستان‌های کشور تا کلیشه تکراری دیوارکشی در خیابان‌ها که در نهایت این کمپین پرسروصدای انتخاباتی نیز توانست در سال ۹۶ بازهم پیروز انتخابات شود.

زلزله کرمانشاه بهانه ورود به عرصه اجتماعی

مرز کردن طعم پیروزی و قدرت‌نمایی در یک رخداد سیاسی به دهان سلبریتی‌ها پای آنها را به مسائل اجتماعی و عرض‌اندام‌های مختلف نیز باز کرد. این بار چهره‌های مشهور تلاش کردند که در جریان رخداد‌های مختلف نیز به میدان بیایند و زورآزمایی کنند که نمونه بارز آن را می‌توان در اتفاقات زلزله کرمانشاه دید. ۲۱ آبان‌ماه سال ۹۶ بود که یکباره خبر زلزله‌ای به بزرگی ۷٫۳ ریشتر کرمانشاه و شهرستان سرپل ذهاب را لرزاند. از همین رو بسیاری از ارگان‌های امدادی و نظامی کشور فعال شدند تا خود را به مناطق زلزله‌زده برسانند و فعالیت امداد و نجات زلزله‌زدگان را آغاز کنند. از این رو طبق سنت همیشگی در کشور هنگام وقوع حوادث و بلاهای طبیعی چادرهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی نیز برپا و شماره حساب‌هایی نیز از سوی ارگان‌های رسمی کشور در رسانه‌ها اعلام شد تا مردمی که قصد کمک به هموطنان زلزله‌زده خود را داشتند از این طریق بتوانند مشارکت کنند. درست در این زمان بود که هم‌زمان با ارگان‌های رسمی کشور سلبریتی‌ها و میکروسلبریتی‌های حاضر در شبکه‌های اجتماعی نیز به میدان آمدند و به شکل سرخود هرکدام شماره‌های حساب اعلام کردند و جداگانه تلاش کردند کمک‌های مردمی جمع‌آوری کنند یا حتی خط‌دهی‌های فکری انجام دهند که مردم اگر به کدام ارگان‌ها پول بریزند بهتر است و میان قوای نظامی کشور اختلاف بیندازد. خودسری برخی سلبریتی‌ها و اقدامات عجیب آنها در موزای کاری باعث شد از سمت کشور کامیون‌ها و ماشین‌های باری متعددی بیخود و بی‌جهت به سمت مناطق زلزله زده رای شود که نه‌تنها عایدی برای مناطق زلزله نداشت و اقلام جمع‌آوری شده آنها مورد نیاز مردم نبود و حتی توان نگهداری درست آنها را نداشتند، بلکه در برخی موارد از سوی راهزنان نیز دزدیده شد و کمک‌های مردمی را نیز هدر داد و حتی موجب اخلال در نظم نیروهای اصلی و امدادی کشور شد. عکس‌های منتشر شده



عطشه همتی

دیدگروه نقد روز

انتشار یک تصویر از سه تن از چهره‌های ورزشی مشهور کشور در فضای شبکه‌های اجتماعی با واکنش‌های متعددی همراه شد. عکسی که از حسن رنگرز سرمربی تیم ملی کشتی آزاد کشورمان و یحیی گل محمدی و جواد نکونام، دو تن از چهره‌های مشهور فوتبال کشور با پیراهن مشکی و کوله پشتی که قصد عزیمت به سفر اربعین را داشتند به سرعت در رسانه‌ها پخش شد و با زیارت قبولی‌های مختلف از سوی کاربران همراه بود. عکسی که به وضوح نشان می‌داد بسیاری از چهره‌های سرشناس ورزشی کشور که از آنها فقط تصویر یک شخصیت ورزشی داریم که گاهی به فراز و نشیب‌های سیاسی کشور واکنش نشان می‌دهند و اعتراضات‌شان سرخط اخبار می‌شوند، اما علقه‌ها و ریشه‌های مذهبی جدی دارند و با دیگر اقشار مردم نیز وارد مسیر مشابه می‌شوند. اما اظهارنظر یک کانال خبری منتسب به حسن عباسی، سخنران و فعال فرهنگی که پیش از این نیز او را در برهه‌های مختلف در مسیر اختلاف‌افکنی دیده بودیم باز هم در مسیر تفرقه و جدایی‌سازی حرکت کرد تا کام این عکس شیرین را نیز برای مخاطبان تلخ کند و زمینه را برای سوءاستفاده برخی که قرار است عباسی را منتسب به جریان انقلاب معرفی کنند و از اظهارنظرهای وی در جهت اختلاف‌افکنی استفاده کنند فراهم سازد.

اگرچه حضور سلبریتی‌ها و چهره‌های هنری و ورزشی در عرصه‌های سیاسی اغلب ناموفق بوده‌است و می‌توان نقدهای جدی به آن داشت، اما روند مرور ۱۵ سال اخیر نشان می‌دهد رابطه متقابل حکمرانی و سلبریتی‌ها بعد از فراز و نشیب‌های متعدد این روزها به شرایط آرام و استناداری رسیده‌است که راحت به دست نیامده اما حسن عباسی و هربار در مواردی که قرار است بعد از کش و قوس‌های فراوان ترمیم ایجاد شود وارد شده و بحران‌زایی می‌کند. «فرهیختگان» به همین بهانه این روند را مرور کرده و این اظهارنظرها را نیز مورد بررسی قرار داده‌است.

■ ■ ■

انتخابات ۸۸ نقطه آغاز بروز شکاف‌های قشری

اگر تا قبل از سال ۸۸ بروزکنش سیاسی چهره‌ها به ساخت فیلم‌های تبلیغاتی کاندیدا‌های ریاست‌جمهوری یا خواندن ترانه‌های حمایتی در ایام انتخابات ختم می‌شد، انتخابات پرشور ۸۸ را می‌توان اولین کنشگری علنی چهره‌های هنری و ورزشی کشور در فضای سیاسی کشور دانست. از حمایت علنی بیش از ۸۰۰ چهره هنری از یکی از کاندیدا‌های انتخاباتی گرفته تا مچ‌بند‌های سبز بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران نشان از تغییرات تازه‌ای از فضای سیاسی کشور می‌داد که بعد از آن بارشند و رونق شبکه‌های اجتماعی نیز وارد فازهای جدی‌تری شد. اگر پیش از این تلویزیون از چهره‌های مشهور در کشور برای شرکت در رویداد‌های سیاسی یا اجتماعی استفاده می‌کرد که در آن کارکرد آنها و تشویق به رای دادن یا انجام واکنش‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی و امدادی برای رسیدگی به مردم سیل و زلزله زده بودند این بار خود چهره‌ها جلوتر از آنکه دعوت شوند به میدان آمده بودند. چهره‌هایی که پیش از این برای آنکه رنگی نشوند در سوال «استقلالی یا پرسپولیسی هستیید؟» دچار لکنت می‌شدند و در جواب این سوال ترجیح می‌دادند سکوت کنند یا فقط از تیم ملی فوتبال حمایت کنند؛ حالا در کشتی بسیار جدی با سروصدا وارد میدان شده بودند و در میتینگ‌های سیاسی به شکل جدی حضور پیدا می‌کردند. بعد از انتخابات ۸۸ و بحران‌های پس از آن نیز نقش فعال داشتند و تلاش کردند و به جان صندوق‌های رای بیفتند و کنش سیاسی خود را از طریق حمله به سلامت انتخابات و قبول نکردن نتیجه آرا ادامه دادند. در نتیجه کشور دچار بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی جدی شد که می‌توان گفت جدی‌ترین شکاف‌های قشری در این زمان رخ داد. شکاف‌هایی که سبب به وجود آوردن خط‌کشی‌های شهری-روستایی، نخچه-توده و شمال شهری و جنوب شهری شد و می‌توان گفت هنوز این خط‌کشی‌ها ادامه داشته‌است.

با قدم روحانی؛ رفتیم جام جهانی

با نزدیک شدن به انتخابات ۹۲ و پایان دولت محمود احمدی‌نژاد و فاصله گرفتن از بحران‌های سیاسی انتخابات ۸۸ و ایستادگی حاکمیت روی سلامت انتخابات و از دست دادن دولت و مجلس در انتخابات‌های گذشته کنش سیاسی چهره‌ها بار دیگر به حمایت از شرکت در انتخابات حرکت کرد. هنوز طرح‌های چسب زخم با انگشت بخیه‌شده‌ای که پیش از این در سال ۸۸ زخم خورده بود و قرار بود در ۹۲ با رای بنفش ترمیم شود را می‌توان در گوشه و کنار شبکه‌های اجتماعی چهره‌های شاخص هنری کشور پیدا کرد. شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر به شکل جدی میان کاربران ایرانی محبوب بود و گروه‌های انتخاباتی جدی در آنها برگزار شد. جریانی که خود را زخم خورده ۸۸ می‌دانست و دلیل شکست را تقلب انتخاباتی می‌دانست بعد از چهار سال پی برده بود که باز هم چاره‌ای جز صندوق‌های رای ندارد و این بار سعی کرد هم طیف‌های خود را به میدان بیاورد تا مبادا صدایی از صحنه سیاسی کشور حذف شود. اگرچه هیچ‌وقت حتی در آن زمان ادعای غلط‌تقلب را گردن نگرفت اما با این شعار که از صندوق‌ها صدای ما بیرون می‌آید خودش را پای صندوق کشاند. از همین رو بسیاری از چهره‌هایی که قبل کنش در انتخابات را

یادگاری برخی سلبریتی‌های کشور در مناطق زلزله‌زده نیز موجب آزرده‌گی و نارضایتی مردم این مناطق شد. برخی نیز که توانسته بودند به دلیل شهرت و محبوبیت خود مبالغ هنگفتی را جمع‌آوری کنند مورد این پرسش قرار گرفتند که راستی آزمایی چگونگی هزینه‌کرد این مبالغ به چه شکل است و چطور به دست مردم خواهد رسید و همین موضوع اما و اگرهایی را نیز ایجاد کرد تا شاهد اولین شکست سنگین چهره‌ها و پس خوردن‌ها از سوی مردم در رسانه‌ها باشیم.

من پشیمانم...

چیزی از سال ۹۶ و پیروزی مجدد دولت تدبیر و امید نگذشته بود که کشور وارد فضای اعتراضی از سوی صنف‌های کارگری شد. این بار قدرت شبکه‌های اجتماعی می‌توانست صدای توده مردم را نیز بلندبلند به گوش مسئولان و افراد و گروه‌های مختلف برساند و فقط در اعتراضات صنفی خلاصه نکند. همین شد که به فاصله کوتاهی کمپین «من پشیمانم» نیز از سوی سلبریتی‌ها شکل گرفت؛ سلبریتی‌هایی که در آغاز سال تمام لباس‌های بنفش‌رنگ‌شان را به تن کرده و لوازم آرایشی بنفش‌شان را به صورت زده بودند و تک‌تک میتینگ‌های انتخاباتی حسن روحانی را شرکت کرده بودند این بار در جواب مطالبات مردمی که قرار بود بوی بهبود از اوضاع جهان به گوشه دماغ‌شان بخورند یک جمله داشتند: «من پشیمانم»! اتفاقی که با مصاحبه حمید فرخ‌نژاد با یک رسانه اینترنتی وارد فاز تازه‌ای شد. او در این مصاحبه اعلام کرده بود زیرفشار این وضعیت مانده‌است که باید ماهانه ۱۰ هزار دلار برای همسر و فرزندش بفرستد که در خارج از ایران زندگی می‌کنند. در ادامه هم می‌گوید ۸۰ میلیون ایرانی برایش مهم نیستند اگر خم به ابروی بچه‌اش بیاید. جمله‌ای که با واکنش‌های منفی بسیار زیادی روبه‌رو شد و نشان داد سبک زندگی قشری که یک‌سال بعد برای جلب آرای مردم به خیابان‌ها آمده بود شباهتی به بدنه مردم عادی ندارد که فرزندان‌شان در همین کشور زندگی می‌کنند و شاید حتی مقصد نهایی‌شان نیز بهم نمی‌خواند و می‌توان گفت کنشگری سیاسی چهره‌ها شکست خورده تا این بار مشی سیاسی آنها در انتخابات ۱۴۰۰ تحریم و سکوت باشد تا بیش از این مرجعیت‌شان میان افکار عمومی دچار ضربه و آسیب نشود.

فصل ترمیم شکاف‌های اجتماعی

بعد از اعتراضات آبان ۹۸ و اندک واکنش‌های زیرپوستی چهره‌های هنری کشور به شکل توبه‌نامه‌های حمایتی از دولت مستقر این رویه همچنان ادامه پیدا کرد که پوشیدن لباس‌های تیره و کاملاً مشکی در ایام جشنواره فیلم فجر را یکی از کنش‌های زیرپوستی چهره‌های مشهور می‌توان عنوان کرد. اما حوادث ۱۴۰۱ باعث بروز کنش‌های اعتراضی از سوی بخش قابل‌توجهی از مردم بود که بخشی از آن به خیابان‌ها ریخت و تبدیل به اعتراضات مردمی شد که چهره‌های مشهور هنری و ورزشی نیز با آن ارتباط گرفتند و در ادامه تلاش کردند در آن میان داری و حتی نقش رهبری داشته باشند. باین حال با رادیکال شدن رفتارهای خیابانی به‌مرور از بخش مردمی و معترض‌آن کاسته شد و شکل نوعی شورش خیابانی به خود گرفت اما فضای رسانه‌ای و رزیست شبکه‌ای در آن سال به قدری ماجراجو پرزنگ بازتاپ می‌داد که گویی کار را تمام‌شده می‌دانست و چهره‌ها را دعوت و تحریک می‌کرد که خود را با فضا و ساختار سیاسی جدید تطبیق دهند که نمونه‌های آن را به‌خوبی شاهدیم. باین حال بدنه اصلی حکمرانی- به خصوص مقام‌معمطم رهبری- حتی در تیره‌ترین شرایط اصل را بر تعریف همه‌اقشار مردمی در بدنه جمهوری اسلامی ایران قرار می‌داد و تلاش می‌کرد در جهت ترمیم شکاف‌های موجود عمل کند. با اینکه بخشی از جریان هنری و حتی ورزشی کشور دچار انحرافات جدی در این فضای غیرآرگود شدند اما میانگین تلاش‌های جمعی از سوی حکمرانی این بود که جلوی رادیکلیزه شدن فضا گرفته شود و حتی جلوی مهاجرت‌های هیجانی، کشف حجاب‌های ناگهانی و تنها گروه تحریک‌کننده و لیدر مورد هدف قرار بگیرد. بعد از فروکش کردن التهابات ۱۴۰۱ عمده‌تاش‌های حکمرانی و بدنه دولت سیزدهم به‌خصوص در بخش هنر و ورزش روی ترمیم همین شکاف‌های ایجاد شده بود. به‌گونه‌ای که در مصاحبه «فرهیختگان» با محمد مهدی اسماعیلی- که چندی پیش منتشر شد- به شرح اقدامات دولت در این موضوع پرداخته شد. وزارت ارشاد تلاش کرد جلوی ممنوع‌الکاری برخی هنرمندان، حتی مهاجرت آنان را بگیرد. به‌برخی از جرائم امنیتی آنان رسیدگی و تلاش کند مشکلات به وجود آمده به دور از سروصدا و اعمال قانون‌های جدی برطرف شود. دوران سخت جام‌جهانی فوتبال در آبان ۱۴۰۱ و تلاش‌ها برای دودستگی میان مردم جای خود را به همدلی جام‌ملت‌های آسیا بهممن ۱۴۰۲ و شادی‌های خیابانی مردم بعد از پیروزی‌های تیم ملی فوتبال ایران داد و حتی به اختلافات بین بازیکنان فوتبال رسیدگی شد تا کشور به فضای آرام‌تری برسد.

دوباره ناخن‌کشیدن روی زخم شکاف؟

نتیجه همه این تلاش‌ها این بود که کشور توانست با وجود تحمل سختی‌های بسیار و شهادت و کشته شدن برخی هموطنان مان باز هم از بحران دیگری عبور کند و در مقابل تنش‌های ایجادشده در منطقه و همچنین بحران مساله فلسطین و اسرائیل مقاوم بماند و علیه دشمن مشترکی به نام اسرائیل و صهیونیست متحد و همپیمان شود تا جایی که بعد از حمله اسرائیل به سفارت ایران در سوریه و پاسخ غرورآفرین ایران در عملیات وعده صادق همه بدنه مردم و حتی بسیاری از چهره‌های سرشناس کشور با اعلام انزجار

از رژیم صهیونیستی به قدرت نظامی ایران خود بیالند. در ایام شهادت رئیس‌جمهور نرزی می‌توان واکنش بسیاری را از سوی چهره‌های مختلف هنری و ورزشی کشور مشاهده کرد که به این موضوع واکنش نشان دادند و حتی این ضایعه را تسلیت گفتند و همدلی کردند. همه اینها نشان‌دهنده این‌است که تا اینجای کار هم حکمرانی به بلوغ و پختگی قابل‌قبولی در برخورد با چهره‌های شناخته‌شده رسیده‌است و همه چهره‌ها تا اینجای کار متوجه شده‌اند که ورود‌های هیجانی‌شان به عرصه‌های سیاسی فقط به‌ضرر خودشان بوده‌است و سرنوشت کسانی که از مرزهای کشور به هوای تحقق رویای آزادی خارج شدند موفقیت‌آمیز که نبوده هیچ، در نهایت مجبور بوده‌اند پالس‌هایی نیز برای بازگشت‌شان بی‌سروصدا بفرستند. اما چرا وقتی در شرایطی که کشور به دلایل مختلف و حتی ساده‌ای توانسته روی آرامش ببیند برخی سر بیرون می‌آورند و به اسم انقلابیگری مشی را درست خلاف مشی رهبری پیش می‌گیرند که نه‌تنها به زخم کهنه این شکاف ناخن می‌کشد، بلکه هزینه‌سازی‌های تازه‌ای نیز برای کشور دراز؟

از بی‌دین کردن چهره‌ها چه چیزی گیر شما می‌آید؟

حسن عباسی، فعال فرهنگی و سخنرانی که پیش از این گفته‌های ضدچهره‌های سرشناس و مشهورش بارها مورد سوءاستفاده جریان‌های ضدایرانی برای قلیطیده کردن فضای سیاسی کشور قرار گرفته بود، چرا از گذشته درس نمی‌گیرد و دوباره در روزهایی که ایرانیان زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران در المپیک روزهای شیرینی را گذرانند و درکنار هم آرام گفتند از جا بلند می‌شود و اظهارنظرهای سنسنجیده‌اش را دوباره فریاد می‌زند؟ آیا اینکه دو فوتبالیست و یک کشتی‌گیر با سابقه کشورمان که هم قدم با مردم قرار است در طریق‌الحسین حرکت کنند برای عباسی ناخوشایند است؟ آیا او که پیش از این در اظهارنظری سخفنده‌تر در روزهای پرتالهاب ۱۴۰۱ گفته بود کسی که دین داشته باشد اصلاً فوتبالیست نمی‌شود، جواب‌های محکمی حتی از قشر متدین کشور نگرفت که مجدد دارد همان اظهارنظرها را از سر می‌گیرد؟ آیا همان موقع که فضای سیاسی و اجتماعی کشور از این اظهارنظر به‌هم ریخت و سبب رادیکال شدن برخی رفتارها شد، حسن عباسی به این نتیجه نرسید که بهتر است در اظهارنظرهای خود تجدیدنظر کند؟ آیا شما از اختلاف‌افکنی و خارج کردن اقشار مختلف مردم از دین عایدی دارید که روی آن اصرار می‌کنید؟

آیا شما بحران‌زی هستیید؟

پیش از این اظهارنظر سفیخ دیگری درباره ارتش جمهوری اسلامی ایران که مقام‌معمطم رهبری از آن به عنوان «کلمه طیبه» یاد می‌کند نیز از سوی عباسی منتشر شده بود که با واکنش و شکایت ارتش جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شد که باز قرار بود بین تیره‌های نظامی کشور اختلاف‌افکنی کند که حسن عباسی نیز محکوم شد. اما این اظهارنظرهای هیجانی وی قرار است تا کجا ادامه داشته باشد؟ این درحالی‌است که هربار پشت تریبون می‌رود و از این دست اظهارنظرهای رادیکال انجام می‌دهد. این اظهارات با ذوق و مشوق زیاد از سوی برخی- که اتفاقاً آنها نیز دنبال ذهن کردن آتش زیرخاکش‌رفته اختلافات سال‌های گذشته هستند- سر بیرون می‌آورند پیگیری و بازتاب داده می‌شوند تا دوباره به خود شناسن مجدد بدهند. مانند سال ۱۴۰۱ که دقیقاً کشور می‌توانست به بهانه جام جهانی فوتبال به‌عنوان یک رویداد جهانی آرام بگیرد و همه مردم زیر لوی پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران جمع شوند و سربازان خود در این رویداد مهم جهانی را تشویق کنند باز هم حسن عباسی پشت میکروفون می‌رود و ضدفوتبالیست‌ها و خانواده‌هایشان صحبت می‌کند تا اوضاع را از آتانی که هست پیچیده‌تر کند. حالا هم که همه اقشار زیربیرق اباعبدالله جمع شده‌اند کشور شاید ظهور و رشد صاحب‌دین و مذهب آنها را پس می‌زند و تشخص می‌دهد که چه کسی دیندار است و چه کسی نیست؟ این بحران‌ساز و بحران‌زی بودن خصیصه عباسی‌است؟

درست نقطه مقابل حرف‌های رهبری ایستادید

در روزهایی که گذشت تصاویر بسیار زیبایی در المپیک از سوی ورزشکاران دیدیم که با ذکر و دعا وارد میدان شدند و بعد از پیروزی نیز مدال‌شان را تقدیم به مردم ایران و حتی امام زمان (عج) کردند. برخلاف گفته حسن عباسی نیز بسیاری از ورزشکاران و فوتبالیست‌های کشور شاید ظهور و بروز مذهبی در میادین ورزشی نداشته باشند اما در زندگی شخصی خود به‌دراز دوربین‌ها و بزرگنمایی‌ها در هیات‌های مذهبی نیز شرکت می‌کنند و حتی لباس خادمی می‌پوشند و خدمتگزارند که احتمالاً عباسی یا آنها را نمی‌شناسد یا تلاش می‌کند که نشناسد، چون بارها به وی این تذکر داده شده‌است. باین‌حال این رفتار او درس غلط به کودکان و نوجوانانی‌است که رویای جوانی و بزرگسالی خود را در پوشیدن لباس‌های تیم ملی ورزشی کشورشان می‌بینند. وقتی به آنها از فوتبالیست شدن آدرس علی کریمی بودن، و دین و ورزش با همان فوتبالی را که عباسی از آن خوشش نمی‌آید بدهیم، این تفکر را القا کرده‌ایم که دینداری با فوتبالیست شدن جور در نمی‌آید. موضوعی که درست نقطه مقابل حرف‌های رهبری است. آنجا که رهبری روی ریشه سالم و متدین بسیاری از همین چهره‌های ورزشی تأکید می‌کنند اما حسن عباسی هر بار کلیت آنها را بی‌استثنا مورد اهانت قرار می‌دهد. تا آنجا که این جمله تاریخی سفیخ را به زبان می‌آورد: «نگاه نکندیه به فوتبالیست هم داریم زنش چادری است، آدمی باشد که زنش چادری و دیندار باشد اصلاً به سراغ فوتبال نمی‌رود.»